

فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال هفتم، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۹۴

رمزگردانی دوزبانه‌های ترکی آذری- فارسی در پرتو مدل زبان ماتریس و نظریه صفر

عبدالحسین حیدری^۱

مهدی سمائی^۲

لطیف عطاری^۳

افسر روحی^۴

تاریخ دریافت: ۹۱/۲/۱

تاریخ تصویب: ۹۲/۱/۳۰

چکیده

از آنجایی که مدل زبان ماتریس تبیین بهتری از رمزگردانی درون‌جمله‌ای ارائه کرده است و نظریه صفر بر روابط هسته- متمم در گزینش ساخت‌های رمزگردانی شده تمرکز دارد، تحقیق حاضر در مطالعه رمزگردانی درون‌جمله‌ای ترکی آذری- فارسی، این دو دیدگاه را مبنای

^۱ دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام‌نور (نویسنده مسئول)؛
a_heidari53@yahoo.com

^۲ استادیار، پژوهشگاه علوم و فن‌آوری اطلاعات ایران؛ samai@irandoc.ac.ir

^۳ استادیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام‌نور؛ Latif.attari@gmail.com

^۴ استادیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام‌نور؛ afsar.rouhi@gmail.com

کار خود قرار داده است. داده‌ها با ضبط و یادداشت‌برداری از تعاملات معلمان دوزبانه و دانش‌آموزان (۱۰۰ نفر دانش‌آموز و ۱۲ نفر معلم) یک مدرسه ابتدایی جمع‌آوری شد. تحلیل داده‌ها نشان داد که عناصر یا سازه‌های زبان فارسی به‌طور کامل در چارچوب نحوی-ساخت‌واری زبان ترکی آذری تلفیق می‌شوند. زیرا تمامی تکواژهای سیستمی ساخت‌های رمزگردانی‌شده از زبان ترکی آذری انتخاب می‌شوند و آرایش سازه‌ها در این ساخت‌ها از نحو و دستور زبان ترکی آذری پیروی می‌کنند، بنابراین در ساخت‌های رمزگردانی‌شده، زبان آذری به‌عنوان زبان ماتریس و زبان فارسی به‌عنوان زبان درونه نقش ایفا می‌کنند. گروه اسمی و گروه حرف اضافه زبان فارسی که از لحاظ آرایش سازه‌ای هسته‌آغاز و برعکس آرایش هسته‌پایان گروه‌های معادل خود در زبان ترکی آذری هستند، به‌صورت جزیره زبان درونه در چارچوب نحوی-ساخت‌واری زبان ترکی آذری قرار می‌گیرند. اما ظاهر شدن گروه کمیت‌نمای فارسی در جملات زبان ترکی آذری به‌عنوان جزیره زبان درونه، پیش‌بینی مدل ماتریس در تشکیل جزایر زبانی را نقض می‌کند زیرا هر دو زبان فارسی و ترکی آذری آرایش سازه‌ای یکسانی در گروه کمیت‌نماها دارند. در ادامه، ساخت‌های گروهی رمزگردانی‌شده بر اساس نظریه صفر مورد مطالعه قرار گرفت و در میان داده‌ها نمونه‌هایی یافت شد که با نظریه صفر مبنی بر نقش تعیین‌کنندگی هسته‌ها در آرایش ساخت‌های رمزگردانی‌شده، مطابقت نداشت. در نهایت، تحلیل داده‌ها نشان داد که در گزینش یکی از دو نوع آرایش نحوی متفاوت زبان‌های شرکت‌کننده در ساخت‌های رمزگردانی‌شده، علاوه بر عوامل زبانی (بسامد بالای واژه‌ها)، عوامل غیرزبانی (برجستگی مفاهیم در ذهن فرد دوزبانه) نقش اساسی دارند.

واژه‌های کلیدی: رمزگردانی، مدل زبان ماتریس، نظریه صفر، زبان

ماتریس، زبان درونه

۱. مقدمه

از میان پدیده‌هایی چون تداخل، قرض‌گیری، همگرایی، آمیختگی زبانی و رمزگردانی که در نتیجه برخورد زبان‌ها اتفاق می‌افتند، پدیده رمزگردانی توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. اولین تعریف ارائه‌شده برای رمزگردانی را می‌توان به واین‌رایش^۱ (۱۹۵۳) نسبت داد که آن را استفاده فرد دوزبانه از دو زبان به‌تناب و به‌جای یکدیگر تعریف می‌کند. رمزگردانی به استفاده متناوب دو یا چندزبانه‌ها از دو یا چند زبان در یک محاوره زبانی (میوسکن^۲، ۱۹۹۵) یا درون یک پاره‌گفتار (بالاک و توری‌یو^۳، ۲۰۰۹) دلالت دارد. طبق نظر می‌یرزاسکاتن^۴ (۱۹۹۷)، منظور از رمز در رمزگردانی زبانی ضرورتاً زبان‌های استاندارد نیست. در حقیقت، وی حوزه رمزگردانی را به تغییر بین زبان‌ها، گویش‌ها، سبک‌ها و سیاق‌ها بسط می‌دهد. البته در تحقیق حاضر واژه رمز به دو زبان ترکی آذری و فارسی محدود می‌شود. ترفرز-دالر^۵ (۱۹۹۴) و چان^۶ (۲۰۰۴) رمزگردانی را به دو نوع بین‌جمله‌ای و درون‌جمله‌ای تقسیم کرده‌اند. رمزگردانی بین‌جمله‌ای به استفاده متناوب از دو یا چند زبان در سطح بالاتر از جمله دلالت دارد. در این نوع رمزگردانی، فرد صحبت کردن به زبان الف را متوقف کرده و به زبان ب حرف می‌زند. رمزگردانی درون‌جمله‌ای به استفاده متناوب از دو یا چند زبان در سطح پایین‌تر از جمله دلالت دارد. برای مثال در جمله «office او large است»، واژه‌های انگلیسی به‌صورت عناصر رمزگردانی شده در درون جمله فارسی به کار برده شده‌اند. بعضی از محققان (نظیر گامپرز^۷، ۱۹۸۲ و لی^۸، ۲۰۰۰) تمایز بین دو نوع رمزگردانی را ضروری می‌دانند. حتی سریده‌هار^۹ (۱۹۸۰) و می‌یرزاسکاتن (۱۹۹۳) به تمایز بین رمزگردانی درون‌جمله‌ای و قرض‌گیری واژگانی هم توجه کرده‌اند. سریده‌هار (۱۹۸۰) معتقد است که عناصر قرضی در زبان میزبان معادلی ندارند در حالی که عناصر رمزگردانی شده در زبان میزبان معادل دارند.

¹ Weinreich

² Muiyksen

³ Bullock and Toribio

⁴ Myers-Scotton

⁵ Treffers-Daller

⁶ Chan

⁷ Gumperz

⁸ Li

⁹ Sridhar

می‌یرزاسکاتن (۱۹۹۳) بسامد نسبی و کامل عناصر را معتبرترین معیار برای تشخیص تفاوت بین رمزگردانی و قرض‌گیری می‌داند. عناصر رمزگردانی شده بسامد کمی دارند درحالی که عناصر قرضی دارای بسامد زیاد یا کامل هستند. عناصر رمزگردانی شده و قرضی در طول پیوستاری قرار دارند و ممکن است با گذشت زمان در یک جامعهٔ زبانی به تدریج عناصر رمزگردانی شده به عناصر قرضی تبدیل شوند. بعضی از زبان‌شناسان از جمله توری بیو^۱ (۲۰۰۱) رمزگردانی درون‌جمله‌ای را نشانهٔ اکتساب ناقص زبان تلقی می‌کنند و حتی قراب‌اوسکی^۲ (۲۰۱۱) معتقد است که رمزگردانی موجب سوء تفاهم شده و چهره‌ای منفی از رمزگرداندگان زبانی در نزد مخاطبان می‌گذارد. اما می‌یرزاسکاتن (۱۹۹۳) رمزگردانی درون‌جمله‌ای را قاعده‌مند می‌داند و بر این باور است که این پدیده انعکاس‌دهندهٔ نحوهٔ عملکرد اصول نحوی لایه‌های زیرین ذهنی است. رمزگردانی زبانی معمولاً از زاویهٔ یکی از دو دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی و دستوری مورد مطالعه قرار گرفته است. دیدگاه اول اغلب به تحلیل انگیزه‌های اجتماعی رمزگردانی بین جمله‌ای نظیر انگیزه‌های اجتماعی، روانی و زبانی می‌پردازد درحالی که دیدگاه دوم به مطالعهٔ روابط درون‌جمله‌ای از قبیل محدودیت‌های حاکم بر روابط سازه‌ها در درون یک جمله متمرکز می‌شود. دیدگاه‌های دستوری در مورد رمزگردانی درون‌جمله‌ای به سه گروه عمده تقسیم می‌شوند:

الف) دیدگاه‌های خطی (پاپ‌لاک^۳، ۱۹۸۰؛ گامپرز، ۱۹۸۲؛ وول‌فورد^۴، ۱۹۸۳).

ب) دیدگاه‌های غیرخطی بر اساس دستور زایشی، نظیر حاکمیت و مرجع‌گزینی (دی‌سی‌یولو^۵، ۱۹۸۶ و هال‌ماری^۶، ۱۹۹۷)، محدودیت هستهٔ نقشی (بلازی، روبین و توری‌بیو^۷، ۱۹۹۴)، نظریهٔ صفر (ماهوتیان، ۱۹۹۳)، دیدگاه‌های کمینه‌گرایی (مک‌سون^۸، ۱۹۹۷).

^۱ Toribio

^۲ Grabowski

^۳ Poplack

^۴ Woolford

^۵ Di Sciullo

^۶ Halmari

^۷ Belazi, Rubin and Toribio

^۸ MacSwan

ج) دیدگاه زبان ماتریس. تحقیق حاضر قصد دارد رمزگردانی ترکی آذری-فارسی را از منظر دو دیدگاه دستوری مدل زبان ماتریس و نظریه صفر مورد مطالعه قرار دهد و به سئوالات زیر پاسخ دهد:

۱. آیا داده‌های رمزگردانی شده ترکی آذری-فارسی انطباق کاملی با مدل زبان ماتریس و نظریه صفر دارد؟

۲. چه عواملی در انتخاب یکی از دو نوع آرایش نحوی متفاوت زبان‌های شرکت کننده در ساخت‌های رمزگردانی شده ترکی آذری-فارسی مؤثر هستند؟

در ادامه، ابتدا چارچوب نظری مدل زبان ماتریس و نظریه صفر به اجمال ارائه می‌گردد. سپس پیشینه مطالعات انجام یافته و برخی ویژگی‌های دستوری زبان ترکی آذری توضیح داده می‌شود و در نهایت داده‌های جمع‌آوری شده مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

۲. چارچوب نظری

میرزاسکاتن (۱۹۹۳) مدل زبان ماتریس را با تکیه بر نظریه‌های تولید گفتار در روان‌شناسی مانند مدل لولت^۱ (۱۹۸۹) و مطالعات خطاهای گفتاری گارت^۲ (۱۹۷۵) ارائه داد. واحد تحلیل در مدل زبان ماتریس، بند متمم دو تیره (cp) است (در تحقیق حاضر از این بند به عنوان بند متمم یاد می‌شود). بنابراین در این مدل، بند وابسته یا پیرو^۳ و بند مستقل^۴ واحد تحلیل قرار می‌گیرد. برای مثال در جمله «هنگامی که در خیابان قدم می‌زدم، دوست قدیمی ام را دیدم.» کل جمله مرکب واحد تحلیل مدل نیست بلکه بند پایه یا پیرو به صورت جداگانه واحد تحلیل مدل زبان ماتریس می‌باشد. در یک بند رمزگردانی شده که حاصل سازه‌ها و عناصر دو زبان است، یکی از زبان‌ها ساختار نحوی - ساخت‌واژی بند را تعیین می‌کند که به آن زبان ماتریس می‌گویند و به زبان دیگر هم که نقش کم‌رنگی در ساختار بند دارد، زبان درونه گفته می‌شود. مدل زبان ماتریس میرزاسکاتن (۱۹۹۳، ۲۰۰۲)

^۱ Levelt

^۲ Garret

^۳ dependent

^۴ independent

و (۲۰۰۶) دارای اصول و مدل‌های زیر شاخه‌ای زیر است:

اصل ترتیب تکواژها: زبان ماتریس آرایش نحوی تکواژها را در بند رمزگردانی شده تعیین می‌کند.

اصل تکواژ سیستمی: تکواژهای سیستمی متأخر (مانند نشانه‌های ملکی انگلیسی، نشانهٔ سوم شخص مفرد انگلیسی و تکواژهایی که مقوله‌های دستوری همچون زمان و نمود را نشان می‌دهند) در بند رمزگردانی شده، از زبان ماتریس انتخاب می‌شوند.

برای مثال در جملهٔ «paper او accept نشد»، فرد دوزبانه عناصر یا کلمات انگلیسی (عناصر واژگانی انگلیسی) را در چارچوب نحوی - ساخت واژی زبان فارسی به کار برده است. در این مثال، زبان فارسی زبان ماتریس است زیرا نحو جمله به زبان فارسی تعلق دارد و تکواژهای سیستمی متأخر مانند کسرهٔ اضافه و مقوله‌های دستوری همچون زمان و مطابقت از زبان فارسی انتخاب شده است.

تمایز بین تکواژهای محتوایی و سیستمی در تشخیص زبان ماتریس بسیار مهم است. تکواژهای محتوایی مانند اسم، فعل، صفت و بعضی حروف اضافه در انتقال پیام نقشی اساسی دارند و دارای ویژگی اعطاکننده و یا دریافت‌کنندهٔ نقش تا (θ -role) هستند اما تکواژهای سیستمی فاقد چنین ویژگی هستند و فقط در ساختن چارچوب دستوری جملات نقش ایفا می‌کنند؛ مانند حروف تعریف، کمیت‌نماها، صفت‌های ملکی، تکواژهای تصریفی، مشخص‌گرها و تکواژهایی که مقوله‌های دستوری همچون زمان، نمود و مطابقت را نشان می‌دهند. می‌یرزاسکاتن (۲۰۰۰ و ۲۰۰۲) برای تمایز بیشتر تکواژها، یک مدل زیرشاخه‌ای به نام 4-M را طرح کرد که بر اساس آن، تکواژهای سیستمی به دو نوع تکواژهای سیستمی متقدم (مانند حروف تعریف و نشانهٔ جمع انگلیسی)، و تکواژهای سیستمی متأخر پیوندی مانند نشانهٔ جمع انگلیسی و تکواژهای سیستمی متأخر بیرونی (مانند نشانهٔ سوم شخص مفرد انگلیسی) تقسیم‌بندی می‌شوند. علاوه بر این، می‌یرزاسکاتن (۲۰۰۲) یک مدل زیرشاخه‌ای دیگر به نام مدل سطوح انتزاعی پیشنهاد کرد که به تبیین انطباق زبان‌ها در پدیدهٔ رمزگردانی می‌پردازد. براساس این مدل، تولیدات زبانی از طریق سه سطح انتزاعی صورت می‌گیرند:

الف) ساختار مفهومی - واژگانی: در این سطح، منظور یا نیت فرد که خود یک سطح پیش‌زبانی است، یک رشته ویژگی‌های معنایی - کاربردی خاص یک زبان را فعال می‌نماید و این رشته ویژگی‌ها که رابط بین سطح مفهومی و واژگانی ذهنی فرد هستند، لمای واژگانی (تمامی اطلاعات یک واژه به جز اطلاعات واجی) را فعال می‌سازند.

ب) ساختار موضوع - گزاره: در این سطح ساختار نقش تنها با روابط دستوری منطبق می‌شود؛ مانند:

مفهوم غیر مستقیم → بهره‌وری ، فاعل → عامل

ج) الگوی تجلی ساخت واژی: اطلاعات روساختی مانند ترتیب کلمات، حالت، زمان، نمود، مطابقت و... را در بردارد. در این سطح روابط دستوری در روساخت ظاهر می‌شوند. وقتی عناصر زبان درونه در چارچوب زبان ماتریس ظاهر می‌شوند، باید در سه سطح انتزاعی فوق با معادل‌های خود در زبان ماتریس منطبق باشند و اگر این انطباق صورت نپذیرد، طبق فرضیه صافی انسداد تکواژهای محتوایی زبان درونه در چارچوب نحوی - ساختاری زبان ماتریس ظاهر نمی‌شوند مگر این که راهبرد جبرانی مانند جزایر زبان درونه به کار رود. برای نمونه، در مثال ۵ بخش ۶. ۱، فرد دوزبانه در صحبت‌هایش به زبان ترکی آذری گروه حرف‌افزافه فارسی «از اول سال» را به عنوان جزیره زبان درونه به کار برده است. این جزیره زبان درونه در زبان فارسی یک گروه خوش ساخت است اما با ترتیب تکواژهای زبان ترکی آذری به عنوان زبان ماتریس مطابقت ندارد زیرا در زبان ترکی آذری همین مفهوم به صورت گروه پس‌افزافه بیان می‌شود. بنابراین عدم انطباق سازه‌های زبان درونه در سطح ساختاری موضوع - گزاره باعث شده است که این سازه‌ها به صورت جزیره زبان درونه در چارچوب ساخت زبان ترکی آذری ظاهر شوند. علاوه بر مدل سطوح انتزاعی، بسیاری از دیدگاه‌های دیگر از جمله ماهوتیان و سانتورینی (۱۹۹۶) به مفهوم انطباق زبان‌ها در رمزگردانی زبان پرداخته‌اند. ماهوتیان و سانتورینی (۱۹۹۶) با توجه به ساخت‌های رمزگردانی شده فارسی - انگلیسی و بر اساس روابط هسته - متمم پیشنهاد دادند که هسته‌ها همانند بافت‌های مشابه در تک‌زبانگی، ویژگی‌های نحوی متمم‌های خود در ساخت‌های رمزگردانی شده را تعیین می‌کنند.

۳. پیشینهٔ تحقیق

تا به حال ویژگی‌های زبان‌شناختی رمزگردانی ترکی آذری-فارسی مورد مطالعه قرار نگرفته است اما اندک مطالعاتی در باب تحلیل رمزگردانی زبان‌های فارسی و ترکی با سایر زبان‌ها براساس مدل زبان ماتریس وجود دارد که از آن جمله می‌توان به مطالعهٔ داده‌های رمزگردانی فارسی-سوئدی ناصح (۲۰۰۲)، فارسی-انگلیسی رضائیان (۲۰۰۹) و تحلیل داده‌های رمزگردانی سه‌زبانۀ ترکی-رومانی-بلغاری کیوچوکف^۱ (۲۰۰۲) اشاره کرد. ناصح (۲۰۰۲) و رضائیان (۲۰۰۹) پس از تحلیل ویژگی‌های نحوی-ساخت‌واژی داده‌های رمزگردانی شده، بر نقش تعیین‌کنندهٔ زبان فارسی در اعمال محدودیت‌های دستوری بر زبان‌های سوئدی و انگلیسی تأکید دارند. یافته‌های آنها با مطالعات محققان دیگر مانند وی^۲ (۲۰۰۲)، گیو^۳ (۲۰۰۶) و لیو^۴ (۲۰۰۸) هم‌سو می‌باشد. وی، گیو و لیو معتقدند که مدل زبان ماتریس در تحلیل رمزگردانی چینی-انگلیسی از توانایی تبیین قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار است. بعضی از این مطالعات، داده‌های متناقضی را در ارتباط با بخشی از پیش‌بینی‌های مدل زبان ماتریس ارائه می‌کنند. ناصح (۲۰۰۲) با آوردن نمونه‌هایی از رمزگردانی فارسی-سوئدی، معیارهای تقسیم‌بندی انواع تکواژهای سیستمی در مدل زبان ماتریس را مبهم می‌داند. وی (۲۰۰۲) به نمونهٔ فعل‌هایی از زبان انگلیسی اشاره دارد که در چارچوب نحوی-ساخت‌واژی زبان ماتریس (زبان چینی) تلفیق نمی‌شوند و در اعمال ساختار نحوی زبان درونه (زبان انگلیسی) بر جملات رمزگردانی شده نقش مهمی ایفا می‌کنند. کیوچوکف (۲۰۰۲) با این پیشنهاد که کودکان سه‌زبان (ترکی-رومانی-بلغاری) را بدون آگاهی از فرایند رمزگردانی و به‌عنوان یک رمز واحد کسب می‌کنند، بر نقص مدل زبان ماتریس و جهان‌شمول نبودن آن در تشریح رمزگردانی در بافت سه‌زبانۀ اشاره دارد. البته می‌یرزاسکاتن (۲۰۰۶) راه ابطال‌پذیری اصول و فرضیه‌های مدل زبان ماتریس را باز گذاشته است؛ با این وجود تثبیت دو اصل اساسی این مدل در بیشتر مطالعات بر اهمیت و کارآیی آن افزوده است. در همین راستا، تحقیق حاضر بر آن است تا

¹ Kyuchukov

² Wei

³ Guo

⁴ Liu

رمزگردانی زبان‌های ترکی آذری و فارسی را در چارچوب مدل زبان ماتریس و با اتکا به نظریه صفر مطالعه کرده و به بسط این مبحث در چارچوب دو دیدگاه مذکور بپردازد.

۴. ویژگی‌های دستوری زبان ترکی آذری

زبان ترکی آذری به خانواده زبان‌های اورال-آلتایی تعلق دارد که از لحاظ رده‌شناسی از زبان فارسی دور است. ترتیب قرار گرفتن سه سازه فاعل (S)، مفعول (O) و فعل (V) در جملات خبری زبان‌ها، معیار اساسی رده‌شناسی آرایش جمله است (گرینبرگ^۱، ۱۹۶۶). زبان ترکی آذری از الگوی SOV پیروی می‌کند بنابراین این زبان از نظر الگوی دستوری، شبیه زبان فارسی است. اولین خصیصه بارز در ترکیب ساختمان واژه‌ها و الفاظ زبان ترکی آذری، جنبه التصاقی یا پیوندی این زبان است (فرزانه، ۱۳۵۷). خانواده زبان‌های ترکی از نوع زبان‌های فاقد نشانه جنس و حرف تعریف است. در زبان ترکی آذری، صفت، انواع کمیت‌نماها و اعداد قبل از اسم به کار برده می‌شوند و اسم در این زبان مانند زبان فارسی به دو حالت مفرد و جمع به کار می‌رود و حالت تشبیه وجود ندارد، اسم در حالت مفرد بدون علامت و در حالت جمع با پسوند دوشکلی (lar و lær) ظاهر می‌شود. اسم زبان ترکی آذری به سه حالت فاعلی، مفعولی (صریح و غیرصریح) و اضافه وجود دارد. اسم در حالت فاعلی بدون قبول پسوند ولی در دو حالت دیگر با گرفتن پسوند ظاهر می‌شود. در این زبان برخلاف زبان فارسی، مضاف‌الیه مقدم بر مضاف است و دارای دو حالت معین و نامعین است. قیده‌های زبان ترکی آذری، هیچ نوع تصریفی نمی‌پذیرند. ریشه فعل در این زبان معادل صیغه مخاطب مفرد امر می‌باشد؛ مانند: bax (ببین) که با حذف پسوندهای مصدری «max» و «mæx» حاصل می‌شود و فعل پسوندهای تصریفی زمان، نمود، وجه، شخص، شمار، مجهول و سببی را دریافت می‌کند.

¹ Greenberg

۵. روش تحقیق

جمع‌آوری داده‌های این تحقیق با حضور در کلاس‌های دوم، سوم و چهارم ابتدایی دبستان شیخ طوسی شهرستان مشگین‌شهر آغاز شد. ۴ ساعت از تعاملات رسمی و غیررسمی دانش‌آموزان (۱۰۰ نفر) ۴ کلاس با یکدیگر و با معلمان‌شان، مشاهده و ضبط گردید. علاوه بر کلاس‌ها، پژوهشگر اول به‌خاطر همکار و هم‌دوره بودن با ۸ نفر از معلمان و عوامل اجرایی مدرسه، در یک محیط و شرایط صمیمی با آنها دربارهٔ موضوعات مختلف بحث و تبادل نظر می‌کرد (هفته‌ای ۳ روز به مدت ۳۰ تا ۴۵ دقیقه) تا از طریق مصاحبه و مصاحبت با آنها، داده‌های بیشتری در ارتباط با رمزگردانی درون‌جمله‌ای جمع‌آوری کند. همهٔ این ۱۲ نفر همکار فرهنگی (۲ نفر خانم و ۱۰ نفر آقا) که بین ۳۲ تا ۴۲ سال سن داشتند، دارای مدرک لیسانس و یا بالاتر بوده و به دو زبان ترکی آذری و فارسی تسلط کامل داشتند. در جمع‌آوری داده‌ها دو روش به کار رفت: الف) ضبط تعاملات کلاسی و به‌دنبال آن واج‌نگاری و استخراج ساخت‌های رمزگردانی شده ب) یادداشت‌برداری از داده‌های مرتبط با رمزگردانی درون‌جمله‌ای در گفتگو و مباحثه با معلمان.

پس از دسته‌بندی داده‌ها، کلمات منفرد رمزگردانی شده مورد شمارش قرار گرفته و با توجه به نقش‌شان در جدول شماره ۱ طبقه‌بندی شدند. بر اساس این جدول، اسم‌ها رایج‌ترین عناصر رمزگردانی شده بودند که ۴۶ درصد از سازه‌های منفرد رمزگردانی شده را به خود اختصاص داده بودند که این یافته با یافته‌های می‌یرزاسکاتن (۱۹۹۳)، اسمیت^۱ (۲۰۰۲) و جان‌جوا^۲ (۲۰۱۱) مبنی بر رایج‌تر بودن اسم‌ها در ساخت‌های رمزگردانی شده، مطابقت داشت. بعد از اسم‌ها، سازه‌های غیرفعلی با ۳۱ درصد در رتبهٔ بعدی قرار داشتند و به‌دنبال آنها، صفت‌ها با ۲۱ درصد و قیدها با ۳ درصد در ردهٔ بعدی قرار گرفتند. ملاک عمل در این مطالعه، معیار مشهور می‌یرزاسکاتن است که کلمات ابتدا به‌صورت رمزگردانی شده وارد زبان میزبان شده و به تدریج به کلمات قرصی تبدیل می‌شوند.

^۱ Smith

^۲ Janjua

۶. تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌های رمزگردانی ترکی آذری- فارسی نشان می‌دهد که عناصر یا سازه‌های منفرد زبان فارسی مانند اسم، صفت و قید به‌عنوان عناصر درونه در ساخت‌های مرکب از سازه‌های دو زبان ترکی آذری- فارسی ظاهر می‌شوند. این عناصر در ساخت‌های مذکور تمامی پسوندهای زبان ترکی آذری را دریافت می‌کنند. هم‌چنین اسم، صفت و قید زبان فارسی به‌عنوان عناصر غیرفعلی با همکردها یا افعال سبک ترکی آذری ترکیب شده و افعال مرکب را تشکیل می‌دهند که از آن به‌عنوان ساخت فعل سبک یاد می‌شود. در جدول ۱ تعداد کلمات یا سازه‌هایی که به‌عنوان عناصر درونه در ارتباط با رمزگردانی ترکی آذری- فارسی تحقیق حاضر جمع‌آوری شده است، ارائه شده است.

جدول ۱. انواع و تعداد سازه‌های رمزگردانی شده ترکی آذری- فارسی

نوع سازه	تعداد سازه‌ها	درصد سازه‌ها (%)
اسم	۲۱۰	۴۶
سازه غیرفعلی	۱۴۰	۳۱
صفت	۹۰	۲۰
قید	۱۸	۳
کل	۴۵۸	۱۰۰

۶.۱. اسم، صفت و قید زبان فارسی در چارچوب نحوی- ساخت‌واژی زبان

ترکی آذری

اسم‌ها رایج‌ترین عناصر زبان فارسی هستند که به‌عنوان عناصر درونه در جایگاه فاعل («ماهی» در مثال ۱)، مفعول («مهمان» در مثال ۲) و اضافه («فروشنده» در مثال ۳) ساخت‌های زبان ترکی آذری قرار می‌گیرند. صفت‌های فارسی هم قبل از موصوف‌های ترکی آذری («عبوس» در مثال ۴) و هم‌چنین در جایگاه اسناد («تاریک» در مثال ۵) با افعال ربطی ترکی آذری به کار برده می‌شوند. در زبان ترکی آذری مثل زبان فارسی برای قید از

لحاظ آرایش سازه‌ای هیچ محدودیتی وجود ندارد و بنابراین انواع قیود فارسی (برای مثال «گاهی اوقات» در جملهٔ ۱) می‌تواند در هر قسمتی از جمله قرار گیرد.

(گاهی اوقات چُخلی ماهی اُرودخانه‌ده اُلور.)

1. **gahioqat čoxlī mahi o rudxanæ-dæ ol-ur.**

نمود باش در رودخانه آن ماهی خیلی گاهی اوقات

گاهی اوقات در آن رودخانه ماهی‌های زیادی پیدا می‌شود.

2. **mehman-lar-ī ev-æ apar.** (مهمان لاری اوه آپار.)

بیر به خانه را جمع مهمان

مهمان‌ها را به خانه بیر.

3. **frušændæ-n-in sak-ī bīr-da gal-dī.** (فروشنده‌نین ساکی بیردا قالدی.)

گذشته بمان در اینجا ملکی ساک اضافه میانجی فروشنده

کیف فروشنده اینجا ماند.

4. **æbus adam-lar-a de-mæ.** (عبوس آدام لارا دمه.)

نفی گو به جمع فرد عبوس

به افراد عبوس نگو.

(از اول سال، کیلاس چُخ تاریک دی.)

5. **æz ævvæl-e sal kilas čox tarik-di.**

است تاریک خیلی کلاس سال کسره اول از

از اول سال، کلاس خیلی تاریک است.

زبان ترکی آذری به‌عنوان زبان ماتریس چارچوب نحوی- ساخت‌واژی جملات (۱) تا

(۵) را تعیین می‌کند و زبان فارسی هم به‌عنوان زبان درونه، در این جملات نقش ایفا می‌نماید، چرا که :

الف) تمامی تکواژهای سیستمی زیر از زبان ترکی آذری انتخاب شده‌اند:

- پسوندهای ترکی آذری **lar** جمع و **da** مفعول مستقیم با «مهمان»، مفعول

غیرمستقیم با «رودخانه» و **in** اضافه با «فروشنده»

- کمیت‌نمای اشاره‌ای 0 (آن) قبل از «فروشنده» و کمیت‌نمای نامعین čoxli (خیلی) قبل از «ماهی»
 - تشدیدکننده čox (خیلی) قبل از «تاریک».
 - استفاده از این تکواژهای سیستمی زبان ترکی آذری در مثال‌های ۱ تا ۵ نشان‌دهنده آن است که اصل تکواژ سیستمی مدل زبان ماتریس حفظ شده است.
 - (ب) زبان ترکی آذری ترتیب نحوی سازه‌ها را در جملات ۱ تا ۵ و در گروه‌های اسمی زیر تعیین می‌کند:
 - وقوع صفت فارسی «عبوس» قبل از اسم ترکی آذری *adam*
 - وقوع مضاف‌الیه فارسی «فروشنده» قبل از مضاف ترکی آذری *sak*
- بنابراین هر دو اصل (ترتیب تکواژها و تکواژ سیستمی) مدل زبان ماتریس در مثال‌های ۱ تا ۵ رعایت شده است. گروه حرف اضافه «از اول سال» در مثال ۵، به صورت جزیره زبان درونه به کار رفته است. همان‌طور که قبلاً هم توضیح داده شد، تشکیل این جزیره به خاطر عدم انطباقی است که در سطح گزاره-موضوع بین سازه‌های دو زبان ترکی آذری و فارسی اتفاق افتاده است.

۲.۶. ساخت فعل سبک ترکی آذری

مطالعه داده‌های رمزگردانی ترکی آذری-فارسی نشان می‌دهد که هیچ نوع فعل ایستا^۱ در چارچوب ساخت‌های زبان ترکی آذری قرار نمی‌گیرد زیرا فعل‌ها در جمله بار نحوی بیشتری را بر عهده دارند و انطباق آنها با زبان پذیرنده کمی مشکل‌تر است. زبان ماتریس برای جبران این مشکل از ساخت فعل سبک استفاده می‌کند که از طریق آن اسم‌ها («استقبال» در مثال ۶)، صفت‌ها («رایج» در ۷) و قیده‌های فارسی («پس» در ۸) به عنوان عناصر درونه و سازه‌های غیرفعلی با همکردها یا افعال سبک ترکی آذری مانند *olmax* (شدن)، *vermaex* (دادن) و... ترکیب می‌شوند؛ مانند:

¹ finite verb

6. qonax-lar-dan **esteqbal** elæ-di. (فُناخلاردان **استقبال** اِلدی.)

گذشته کن استقبال از جمع مهمان
از مهمان‌ها استقبال کرد.

7. hæer yer-dæ bu xæbær **rayij** ol-ur. (هر یرده بو خبر **رایج** اُور.)

نمود باش رایج خبر این در جا هر
در هر جایی این خبر رایج می‌شود.

8. o imtahan **pæs** ver-di. (أ ايمتاحتان **پس** وِردی.)

گذشته بده پس امتحان او
او امتحان پس داد.

زبان ترکی آذری به‌عنوان زبان ماتریس، چارچوب نحوی - ساخت‌واژی جملات (۶، ۷ و ۸) را تعیین می‌کند، زیرا:

الف) افعال سبک ترکی آذری که جزو تکواژهای سیستمی هستند، سایر تکواژهای سیستمی ترکی آذری مانند پسوندهای گذشته‌ساز و نمود و... را دریافت کرده‌اند، در نتیجه اصل تکواژ سیستمی مدل زبان ماتریس رعایت شده است.

ب) مطابقت آرایش سازه‌ها در جملات ۶، ۷ و ۸ با الگوی نحوی زبان ترکی آذری نشان می‌دهد که اصل ترتیب تکواژهای سیستمی مدل زبان ماتریس نیز حفظ شده است.

۳.۶. الگوهای دستوری ساخت‌های رمزگردانی‌شدهٔ ترکی آذری - فارسی در مدل ماتریس

در کل، داده‌های رمزگردانی‌شدهٔ ترکی آذری - فارسی با اصول و فرضیه‌های مدل زبان ماتریس مطابقت دارد. هرچند زبان‌های ترکی آذری و فارسی از لحاظ رده‌شناسی زبان به خانواده‌های زبانی متفاوتی تعلق دارند اما آرایش سازه‌های هر دو زبان از ترتیب سازه‌ای SOV پیروی می‌کند و اعمال قاعدهٔ قلب نحوی در هر دو زبان باعث می‌شود که هر کدام از سازه‌های S (فاعل)، O (مفعول) و V (فعل) به‌راحتی در جمله جابه‌جا شوند یعنی فاعل و مفعول می‌توانند قبل و بعد از فعل جمله قرار گیرند در نتیجه آرایش نحوی سازه‌ها در

جملات رمزگردانی شده با نحو و قواعد دستوری هر دو زبان (فارسی و ترکی آذری) مطابقت خواهد داشت. بنابراین معیار قرارداد اصل ترتیب تکواژهای مدل ماتریس برای تعیین زبان ماتریس در ساخت‌های رمزگردانی شده (بند متمم) ترکی آذری-فارسی یک نوع حشو خواهد بود.

آرایش سازه‌ای گروه‌هایی مانند گروه اسمی (صفت و موصوف) و گروه حرف اضافه در زبان فارسی هسته‌آغاز و در زبان ترکی آذری برعکس آن، هسته پایان است. این تفاوت باعث می‌شود که ساخت‌های هسته‌آغاز زبان فارسی (مانند گروه حرف اضافه «از اول سال» در مثال ۵) در بسیاری از موارد به صورت جزیره زبان درونه در چارچوب نحوی-ساخت‌واژی زبان ترکی آذری قرار گیرند که با پیش‌بینی‌های مدل زبان ماتریس در تشکیل جزایر زبان درونه مطابقت دارد. اما گروه کمیت‌نما در هر دو زبان دارای آرایش سازه‌ای یکسانی است و انواع کمیت‌نماها (اشاره‌ای، شمارشی و نامعین) قبل از اسم به کار برده می‌شوند. کمیت‌نماها (مانند *çoxli* در مثال ۱) جزو تکواژهای سیستمی هستند و از زبان ماتریس (ترکی آذری) انتخاب می‌شوند. با این وجود در داده‌های گردآوری شده به نمونه‌هایی (مثال‌های ۹ و ۱۰) برخورد شد که گروه کمیت‌نمای فارسی به صورت جزیره زبان درونه در جملات ترکی آذری به کار برده شده‌اند؛ در حالی که این نوع گروه‌ها در سطوح انتزاعی تولید گفتار با معادل‌های خود در زبان ترکی آذری انطباق دارند.

(بله حادثه چند صد سال بعد ألاجاق.)

9. *belæ hadisæ çænd sæd sal-e bæ'd ol-ajaq.*

آینده باش بعد کسره سال صد چند حادثه‌ای چنین

چنین حادثه‌ای چند صد سال بعد اتفاق خواهد افتاد.

10. *šæst hæftad hezar çox pul-du.* (شصت، هفتاد هزار چوخ پول دو.)

است پول خیلی هزار هفتاد شصت

شصت، هفتاد هزار پول زیادی است.

در مثال‌های ۹ و ۱۰ گروه‌های کمیت‌نمای فارسی «چند صد سال بعد» و «شصت، هفتاد هزار» به عنوان جزیره زبان درونه با معادل‌های خود در زبان ترکی آذری *yüz il sonra*

nečæ و atmiš yetmiš min از لحاظ معنایی - کاربردی و ساخت‌وازی - نحوی به‌طور کامل انطباق دارند در حالی که در مدل زبان ماتریس تشکیل جزیرهٔ زبان درونه به‌خاطر عدم انطباق سازه‌های زبان درونه با معادل‌های خود در زبان ماتریس در سطوح انتزاعی تولید گفتار به وجود می‌آید. این نوع مثال‌ها با پیش‌بینی‌های مدل زبان ماتریس (تشکیل جزایر زبان درونه به‌دلیل عدم انطباق عناصر یا سازه‌های دو زبان در سطوح انتزاعی تولید گفتار) در تناقض می‌باشند. به‌خاطر یافتن راه‌حل برای این تناقض و برای تبیین آرایش سازه‌ای در ساخت‌هایی که دارای روابط هسته - متمم هستند، به نظریهٔ صفر رو می‌آوریم که بر نقش تعیین‌کنندگی هسته‌ها در ساخت‌های رمزگردانی شده تأکید دارد.

۴.۶. نقش هسته‌ها در آرایش سازه‌های گروه‌ها

ماهوتیان و ساتورینی (۱۹۹۶) با استفاده از داده‌های رمزگردانی‌شدهٔ فارسی - انگلیسی و مقایسه آنها با داده‌های رمزگردانی‌شدهٔ جفت زبان‌های دیگر اصل زیر را پیشنهاد دادند: هسته‌ها همانند بافت‌های مشابه در تک‌زبانگی، ویژگی‌های نحوی متمم‌های خود در ساخت‌های رمزگردانی‌شده را تعیین می‌کنند. ماهوتیان نشان داد که رمزگردانی بین هستهٔ فارسی و متمم انگلیسی آن یا برعکس در موارد زیر ممکن است.

11. a) **the apples** خورد. c) **ate** sibha ra. خورد سیب‌ها را
 b) خورد **the apples**. d) sibha ra **ate**. سیب‌ها را خورد

ماهوتیان پیش‌بینی کرد که ساخت‌هایی همچون ساخت (د) اتفاق نمی‌افتد زیرا هستهٔ این گروه فعلی از زبان انگلیسی انتخاب شده است و باید آرایش سازه‌ها را در درون گروه تعیین کند یعنی مفعول باید بعد از فعل قرار گیرد در حالی که در این ساخت، برخلاف دستور زبان انگلیسی مفعول قبل از فعل قرار گرفته است به همین خاطر انتظار می‌رود که توالی سازه‌ها در مثال (d) غیرممکن باشد. اما در زبان فارسی به‌خاطر فرایند قلب نحوی،

سازه‌ها می‌توانند به راحتی پس و پیش شوند و مفعول می‌تواند هم قبل از فعل و هم بعد از فعل آورده شود، بنابراین توالی سازه‌ها در ساخت‌های a و b درست است. در میان داده‌های جمع‌آوری شده از رمزگردانی ترکی آذری-فارسی، نمونه‌هایی (مثال ۱۲) یافت شد که با اصل پیشنهادی ماهوتیان همخوانی ندارند:

12. *uzun pesær o kilass-da-dï.* (اوزون پسر اکیلاس دا-دی.)

هست در کلاس آن پسر بلندقد
پسر قدبلند در آن کلاس هست.

هسته گروه اسمی *uzun pesær* (پسر قدبلند) در مثال ۱۲ از زبان فارسی انتخاب شده است اما آرایش سازه‌ای این گروه از قواعد زبان فارسی پیروی نمی‌کند زیرا هسته فارسی بعد از صفت ترکی آذری قرار گرفته است، یعنی نحو زبان ترکی آذری بر گروه اسمی اعمال شده است. وقتی که اسم زبان فارسی به عنوان عنصر درونه در اول گروه اسمی قرار می‌گیرد، نحو و قواعد زبان فارسی را بر آن گروه اسمی تحمیل می‌کند که از آن به عنوان جزیره زبان درونه یاد می‌شود (مثال ۵، گروه حرف اضافه «از اول سال»). فرد دوزبانه ترکی آذری-فارسی در بعضی جملات گردآوری شده (مثال ۱۳) هسته و متمم‌های گروه‌های اسمی («خانه‌های مجلل» و «مهمانی باشکوه») را از زبان فارسی انتخاب کرده و به عنوان عناصر درونه در چارچوب نحوی گروه‌های اسمی ترکی آذری به کار برده است.

(مجلل خانه‌ده باشکوه مهمانی برگزار آلدی.)

13. *mojællæl xanæ-dæ bašukuh mehmani bærgozar ol-dï.*

گذشته شو برگزار مهمانی باشکوه در خانه مجلل

در خانه مجلل، مهمانی باشکوه برگزار شد.

جملاتی مانند جمله ۱۳، بیشتر توسط افراد مسلط به دو زبان ترکی آذری و فارسی تولید می‌شود، افرادی که در محیط‌های زبانی مختلف قادرند از امکانات هر دو زبان به نحو احسن استفاده کنند. زبان ترکی آذری به عنوان زبان ماتریس، چارچوب نحوی-ساخت‌واژی تمامی جملات را فراهم می‌کند اما هر دو زبان می‌توانند در تعیین

آرایش نحوی گروه‌های اسمی نقش داشته باشند. وقتی فرد دوزبانه برای بیان منظور یا نیت خود از عناصر زبان ماتریس چشم‌پوشی کند و یا عناصر زبانی مرتبط با منظور خود را از زبان ماتریس پیدا نکند، به عناصر واژگانی زبان درونه روی می‌آورد. بسامد بالای واژه‌ها (از زبان اول یا زبان دوم) در واژگان فرد دوزبانه می‌تواند در انتخاب و تولید آن واژه‌ها مؤثر باشد. فرد مسلط به دو زبان ترکی آذری و فارسی با دسترسی به امکانات هر دو زبان می‌تواند تولیدات زبانی متنوعی را داشته باشد. برای مثال وی می‌تواند شق‌های مختلفی از گروه‌های اسمی مثال ۱۴ را تولید کند زیرا بر هر دو نوع ساخت هسته + متمم (زبان فارسی) و متمم + هسته (زبان ترکی آذری) تسلط دارد.

14.

a) *yekæ aghaj* (یکه آغاج)

درخت بزرگ

b) *deræxt-e bozorg* (درخت بزرگ)

بزرگ کسره درخت

c) *yekæ deræxt* (یکه درخت)

بزرگ درخت

d) *bozorg deræxt* (بزرگ درخت)

درخت بزرگ

e) *bozorg aghaj* (بزرگ آغاج)

درخت بزرگ

اگر فرد مسلط به دو زبان ترکی آذری و فارسی در حرف زدن به زبان ترکی آذری، یکی از گروه‌های اسمی بالا، به غیر از مورد (a) را بیان کند، به رفتار زبانی رمزگردانی دست زده است و در این رمزگردانی، نه تنها بسامد بالای واژه‌های فارسی موجود در واژگان ذهنی او اهمیت دارد، بلکه مسائل گفتمانی نیز در این امر مؤثرند بدین معنی که برجستگی مفاهیم در ذهن فرد مسلط به زبان‌های ترکی آذری-فارسی، باعث می‌شود یکی از ساخت‌های هسته + متمم (فارسی) یا متمم + هسته (ترکی آذری) انتخاب شود. اگر برجستگی مفهوم هسته در ذهن همین فرد نسبت به مفهوم متمم بیشتر باشد، ساخت اول و

اگر برجستگی مفهوم متمم نسبت به مفهوم هسته بیشتر باشد، ساخت دوم انتخاب می‌شود. برای مثال تولید گروه اسمی «درخت بزرگ» (به‌عنوان جزیرهٔ زبان درونه) توضیح داده می‌شود. برجسته‌تر بودن مفهوم درخت نسبت به خصیصهٔ بزرگ بودن آن در ذهن فرد دوزبانه و هم‌چنین بسامد بالای واژهٔ «درخت» در واژگان ذهنی همان فرد، رشته ویژگی‌های معنایی-کاربردی خاص زبان فارسی را به فعالیت وامی دارد و در نتیجه لمای زبانی مرتبط با آن رشته ویژگی‌ها از واژگان زبان فارسی، فعال می‌شود. این لمای فعال شده، به خاطر این که لمای یک هسته است چارچوب ساخت واژی-نحوی زبان فارسی را فراهم می‌کند و سازه‌های دیگر همان گروه یا ساخت (متمم یا متمم‌ها) از زبان فارسی انتخاب می‌شود و در مرحلهٔ آخر گروه اسمی «درخت بزرگ» به‌عنوان جزیرهٔ زبانی تولید می‌شود. حالا اگر مفهوم بزرگ بودن درخت در ذهن فرد دوزبانه برجسته‌تر از مفهوم خود درخت باشد، لمای مرتبط از واژگان زبان فارسی یا زبان ترکی آذری فعال می‌شود که به بسامد بالای واژهٔ «بزرگ» در یکی از دو زبان (فارسی یا ترکی آذری) بستگی دارد. ساخت تولیدشده در هر دو حالت، آرایش نحوی زبان ترکی آذری را خواهد داشت زیرا در صورت فعال شدن لمای فارسی، که لمای هسته نیست، چارچوب نحوی-ساخت‌واژی زبان فارسی فراهم نمی‌شود و در نهایت یکی از ساخت‌های (c)، (d) و یا (e) تولید می‌شود. همان طور که رولوفس^۱ (۱۹۹۲) توضیح می‌دهد، منظور یا نیت فرد دوزبانه در ابتدا منحصر به یک زبان خاص نیست و کلمه‌یابی با توجه به فعال‌سازی توزیعی اتفاق می‌افتد، بدین معنی که منظور یا نیت فرد دوزبانه، نظام واژگانی هر دو زبان را فعال می‌کند اما لمای یکی از زبان‌ها نسبت به لمای معادل خود در زبان دیگر بیشتر فعال می‌شود و همین لمای فعال شده به تولید واژه خاص زبانی منجر می‌شود.

با توجه به مطالبی که ارائه گردید می‌توان گروه کمیت‌نمای «چند صد سال بعد» فارسی را که به صورت جزیرهٔ زبانی درونه در جملهٔ زبان ترکی آذری (مثال ۹) به کار برده شده بود، توضیح داد. به نظر می‌رسد که فعال شدن مفهوم «چند» در ذهن فرد دوزبانه و بسامد بالای واژهٔ مرتبط با آن در واژگان ذهنی همان فرد باعث می‌شود که لمای مرتبط از

¹ Roelofs

واژگان فارسی فعال شود. چون این لما، لمای یک هسته است بنابراین چارچوب نحوی- ساخت‌واژی فارسی نیز فعال شده و سازه‌های دیگر نیز در آن گروه از زبان فارسی انتخاب می‌شوند و گروه کمیت‌نما به‌عنوان یک جزیرهٔ زبان درونه در چارچوب جملهٔ زبان ترکی آذری تولید می‌شود. با تحلیلی که ارائه گردید، تحقیق حاضر پیشنهاد می‌کند که: دربارهٔ گفتارهای رمزگردانی‌شده، آرایش نحوی ساخت گروه‌ها را زبان ماتریس تعیین می‌کند اما این آرایش نحوی توسط زبان درونه تعیین خواهد شد اگر:

الف) ساخت گروهی زبان درونه برخلاف ساخت گروهی زبان ماتریس هسته آغاز باشد.
ب) برجستگی مفهوم ذهنی هسته و بسامد بالای واژه مرتبط با آن، ابتدا لمای زبان درونه را فعال کند.

پیشنهاد فوق را می‌توان علاوه بر ساخت گروه‌ها به ساخت‌های بزرگتر مانند بندهای وابسته و بندهای موصولی نیز که دارای آرایش نحوی، هسته- متمم یا متمم- هسته هستند، تعمیم داد. بند موصولی و بند وابسته در فارسی، هسته آغاز ولی در ترکی آذری، هسته پایان هستند و فرد دوزبانه ترکی آذری- فارسی با دسترسی به این دو ساخت، جملات مرکبی را تولید می‌کند که ویژگی‌های دستوری هر دو زبان را داراست. مثال‌های زیادی در این ارتباط در داده‌های جمع‌آوری شده وجود دارد، مانند:

15. O **kuhi ke** gör-düz savalan-dī. (أ **کوهی که** گوردوز ساوالان‌دی.)

است سبالان گذشته و جمع بین که کوهی آن
کوهی را که دیدید سبالان است.

(همین که اوه یتیش دین بیزه تلفون وور.)

16. **hæmin ke** ev-æ yetiš-din biz-æ telfun vur.

بزن تلفن به ما رسیدی به خانه که همین
همین که به خانه رسیدی به ما زنگ بزن.

فرد دوزبانه در صحبت‌هایش به زبان ترکی آذری، ساخت موصولی و وابستهٔ زبان فارسی (۱۵ و ۱۶) را به کار برده است در حالی که ترکی آذری زبانان این ساخت‌ها را هسته پایان و به‌صورت زیر بیان می‌کنند:

17. O gör-dü-y-üz dagh savalan-di. (اُ گوردویوز داغ ساوالان دی.)
است سیلان کوه جمع گذشته بین آن
18. ev-æ yetiš-æn-dæ biz-æ telfun vur. (اوه یتیش آنده بیزه تلفون وور.)
بزن تلفن به ما هنگام رسیدن به خانه

برجستگی مفهوم «کوه» و حرف ربط زمان «همین که» (از زبان فارسی در جملات ۱۵ و ۱۶) و بسامد بالای آن واژه‌ها، باعث می‌شود که فرد دوزبانه در صحبت‌هایش به زبان ترکی آذری از ساخت‌های موصولی و وابسته زبان فارسی (ساخت هسته‌آغاز) استفاده کند. با توجه به تحلیلی که ارائه گردید، تحقیق حاضر در رابطه با انتخاب یکی از دو نوع آرایش نحوی زبان‌های شرکت‌کننده در ساخت‌های رمزگردانی شده، پیشنهاد می‌کند: در ساخت‌های مرکب از سازه‌های دو زبان که از لحاظ آرایش نحوی هسته - متمم متفاوتند (یکی هسته‌آغاز و دیگری هسته‌پایان)، برجستگی مفهوم ذهنی هسته و بسامد بالای واژه مرتبط با آن از زبان هسته‌آغاز باعث می‌شود که فرد دوزبانه، ساخت هسته‌آغاز را انتخاب کند در غیر این صورت، وی ساخت هسته‌پایان را به کار خواهد برد.

۷. نتیجه‌گیری

مطالعه داده‌های رمزگردانی ترکی آذری-فارسی نشان می‌دهد که این داده‌ها در بیشتر موارد با اصول و فرضیه‌های مدل زبان ماتریس مطابقت دارند. زبان ترکی آذری در همه مثال‌ها، زبان ماتریس است و زبان فارسی نیز به‌عنوان زبان درونه عناصری مانند اسم، صفت و قید ساخت‌هایی رمزگردانی شده را تأمین می‌کند. تمامی تکواژهای سیستمی که با عناصر یا سازه‌های زبان فارسی به کار برده می‌شوند به زبان ترکی آذری تعلق دارند. در ساخت فعل سبک هم که ترکیبی از سازه‌های غیرفعلی فارسی و سبک ترکی آذری است، فعل سبک به‌عنوان تکواژ سیستمی تمام اطلاعات دستوری زبان ترکی آذری مانند زمان، نمود، مطابقت و... را با خود به همراه دارد در نتیجه اصل تکواژ سیستمی در ساخت‌های رمزگردانی شده رعایت شده است. قرار گرفتن صفت‌ها و مضاف‌الیه‌های فارسی قبل از

اسم‌های ترکی آذری و نبود فعل متناهی فارسی به‌عنوان عنصر درونه، دلایلی عمده بر حاکمیت نحو زبان ترکی آذری بر ساخت‌های رمزگردانی شده است. البته استفاده از اصل ترتیب تکواژهای مدل ماتریس برای تعیین زبان ماتریس در ساخت‌های رمزگردانی‌شدهٔ آذری-فارسی (بند متمم) یک نوع حشو به حساب می‌آید زیرا آرایش نحوی هر دو زبان ترکی آذری و فارسی در جملات خیری (SOV) یکسان است و سازه‌های جملات هر دو زبان می‌توانند به‌خاطر اعمال قاعدهٔ قلب نحوی جابه‌جا شوند. انطباق کلی داده‌های رمزگردانی درون‌جمله‌ای ترکی آذری-فارسی با اصول و فرضیه‌های مدل زبان ماتریس با مطالعات محققانی مانند ناصح لطف‌آبادی (۲۰۰۲)، وی (۲۰۰۲)، لیو (۲۰۰۸) و رضائیان (۲۰۰۹) همسو می‌باشد که در کل بر تثبیت دو اصل اولیه مدل زبان ماتریس (اصل ترتیب تکواژها و اصل تکواژ سیستمی) تأکید دارند.

تشکیل جزایر زبان درونه برخی از ساخت‌های گروهی مانند گروه اسمی و گروه حرف‌اضافه زبان فارسی در چارچوب نحوی-ساخت‌وازی زبان ترکی آذری، با پیش‌بینی‌های مدل زبان ماتریس در تشکیل جزایر زبان درونه مطابقت دارد اما ظاهر شدن گروه کمیت‌نمای فارسی (کمیت‌نما + اسم) در جملات زبان ترکی آذری به‌عنوان جزیرهٔ زبان درونه، با پیش‌بینی این مدل (تشکیل جزایر زبانی به دلیل عدم انطباق عناصر یا ساخت‌های دو زبان) در تناقض می‌باشد زیرا هر دو زبان فارسی و ترکی آذری آرایش سازه‌ای یکسانی در گروه کمیت‌نماها دارند. برای تبیین چنین ساخت‌هایی، داده‌ها در چارچوب نظریهٔ صفر مطالعه شد زیرا این نظریه با توجه به روابط هسته-متمم، بر نقش تعیین‌کنندگی هسته‌ها در ساخت‌های رمزگردانی‌شده تأکید دارد. در میان داده‌ها، مثال‌هایی پیدا شد که با پیشنهاد نظریهٔ صفر مطابقت نداشت. در نهایت تحلیل داده‌ها نشان داد که در گزینش یکی از دو نوع آرایش نحوی متفاوت زبان‌های (ترکی آذری و فارسی) شرکت‌کننده در ساخت‌های رمزگردانی‌شده، علاوه بر عوامل زبانی (بسامد بالای واژه‌ها)، عوامل غیرزبانی (برجستگی مفاهیم در ذهن فرد دوزبانه) نقش اساسی دارند.

منابع

- فرزانه، محمد علی (۱۳۵۷). مبانی دستور زبان آذربایجانی. تهران: انتشارات فرزانه.
- Belazi, H., E. Rubin & A. J. Toribio (1994). "Code-Switching and X-bar Theory: The Functional Head Constraint". *Linguistic Inquiry*. 25. pp. 221-37.
- Bullock, B.E. & A.J. Toribio (2009). "Themes in the Study of Code-Switching". *Cambridge Handbook of Linguistic Code-Switching*. B. E. Bullock & A.J. Toribio (eds.). Cambridge: Cambridge University Press. pp.1-17.
- Chan, H.Y. (2004). English-Cantones Code Mixing among Secondary School Students in Hong Kong (Unpublished Master's Thesis). Hong Kong: University of Hong Kong.
- Di Sciullo, A., P. Myusken & R. Singh (1986). "Code-Mixing and Government". *Journal of Linguistics*. 22. pp.1-24.
- Garret, M.F. (1975). "The Analysis of Sentence Production". *Psychology of Learning and Motivation (Volume 9): Advances in Research and Theory*. G. Bover (ed.). New York: Academic Press. pp.133-177.
- Grabowski, J. (2011). Stability of Grammatical Judgment in Germany/English Code-Switching (Unpublished Master's Thesis). Arizona: Arizona State University.
- Greenberg, J.H. (1966). "Some Universals of Grammar with Particular Reference to the Order of Meaningful Elements". *Universals of Language*. J.H. Greenberg (ed.). Cambridge, Mass: MIT Press. pp. 73-113.
- Gumperz, J.J. (1982). *Discourse Strategies*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Guo, L.H. (2006). "Morpho-Syntactic Features of Chinese-English Code-Switching on Campus". *Modern Foreign Languages*. 29(3). pp. 20-28.
- Halmari, H. (1997). *Government and Code Switching: Explaining American Finish*. Amsterdam: Benjamins.
- Janjua, F. (2011). "Urdu-English Switching". *International Journal of Academic Research*. 3(4). pp. 406-409.

- Kyuchukov, H. (2002). "Code-Switching among Trilingual Turkish-Speaking Roma Children in Bulgaria". *Psychology of Language and Communication* 2002. 6(1). pp. 75-84.
- Levelt, W.J.M. (1989). *Speaking: From Intention to Articulation*. Cambridge: MIT Press.
- Li, D.C.S. (2000). "Cantonese-English Code-Switching in Hong Kong". *World English*. 19. pp. 305-322.
- Liu, y. (2008). "Evaluation of the MLF Hypothesis: Evidence from Chinese-English Code-Switching". *Journal of Chinese Language and Computing*, 18(2), 75-92.
- MacSwan J. (1997). A Minimalist Approach to Intrasentential Code Switching: Spanish- Nahuatl Bilingualism in Mexico (Unpublished Doctoral Dissertation). Los-Angeles: UCLA.
- Mahootian, S. (1993). A Null Theory of Code-Switching (Unpublished Doctoral Dissertation). Evanston, IL: Northwestern University.
- Mahootian, S. & B. Santorini (1996). "Code Switching and Complement/Adjunct Distinction". *Linguistic Inquiry*. 27. pp. 464-79.
- Muyesken, P. (1995). "Grammatical Concepts in Code-Switching". *One Speaker Two Languages: Cross Disciplinary Perspective on Code-Switching*. L. Milroy & P. Muyesken (eds.). Cambridge: Cambridge University Press. pp.177-197.
- Myers-Scotton, C. (1993). *Dueling Languages: Grammatical Structure in Code Switching*. Oxford: Oxford University Press.
- _____ (1997). "Code-Switching". *The Handbook of Sociolinguistics*. F. Coulmas (ed.). London: Blackwell. pp.217-237.
- _____ (2002). *Contact Linguistics*. Oxford: Oxford University Press.
- _____ (2006). *Multiple Voices: An Introduction to Bilingualism*. Oxford: Blackwell.
- _____ & J.L. Jake (2000). "Four Types of Morpheme: Evidence from Aphasia, Code-Switching, and Second Language Acquisition". *Linguistics*. 38. pp. 1053-1100.
- Naseh, L. (2002). Disagreement in Agreement: A Study of Grammatical Aspects of Code-Switching in Swedish/Persian Bilingual Speech (Unpublished Doctoral Dissertation). Stockholm: Stockholm University.

- Poplack, S. (1980). "Sometimes I Start a Sentence in Spanish: Towards a Typology of Code Switching". *Linguistics*. 18. pp. 581-618.
- Rezaeian, F. (2009). Structural and Social Aspects of Code-Switching among Iranian/Canadian Bilinguals (Unpublished Master's Thesis). Burnaby: Simon Fraser University,
- Roelofs, A. (1992). "A Spreading Activation Theory of Lemma Retrieval in Speaking". *Cognition*. 42. pp. 107-142.
- Smith, D.J. (2002). Patterns of Variation in Spanish/English Bilingualism in Northeast Georgia (Unpublished Doctoral Dissertation). Austin: The University of Texas at Austin.
- Sridhar, S.K. (1980). "The Syntax and Psycholinguistics of Bilingual Code-Mixing". *Canadian Journal of Psychology*. 34(4). pp. 407-416.
- Toribio, A.J. (2001). On the Emergence of Code-Switching Competence. *Bilingualism: Language and Cognition*. 4(3). pp. 203-231.
- Treffers-Daller, J. (1994). *Mixing Two Languages, French-Dutch Contact in a Comparative Perspective*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Wei, L. (2002). "The Bilingual Mental Lexicon and Speech Production Process". *Brain and Language*. 81. pp. 691-707.
- Weinreich, U. (1953). *Languages in Contact*. The Hague: Mouton.
- Woolford, E. (1983). "Bilingual Code-Switching and Syntactic Theory". *Linguistic Inquiry*. 14. pp. 520-36.

Azari-Turkish/Persian Bilinguals' Code-Switching based on Matrix Language Frame Model (MLF) and Null theory¹

Abdolhossein Heydari²

Seyyed Mehdi Samaei³

Latif Attari³ Afsar Rouhi⁴

Received: 2012/4/20

Accepted: 2013/4/19

Abstract

This paper attempts to explore Turkish/Persian intrasentential code-switching employing the matrix language frame model (MLF), due to its high explanatory power in intrasentential code-switching, and null theory, which focuses on the role of the head in determining the phrase structure configuration of its complements in code-switching. The data were collected from a primary school by tape-recording and note-taking of interaction taking place between the bilingual teachers (n = 12) and students (n = 100). The data analysis provided evidence to claim that Turkish and Persian were taken as matrix language (ML) and embedded language (EL), respectively because Turkish language constitutes

¹ (DOI): 10.22051/JLR.2015.2089

² PhD Candidate in Linguistics, Payame Noor University, Tehran, Iran; a_heidari53@yahoo.com

³ Assistant Professor, Iranian Research Institute for Information Science and Technology (IRANDOC); samai@irandoc.ac.ir

⁴ Assistant Professor, Payame Noor University, Ardabil, Iran; Latifattari@gmail.com

the grammatical configuration of mixed sentences and all system morphemes in such sentences also belong to Turkish. But Persian quantifier phrases in Turkish morpho-syntactic frame were incompatible with MLF model prediction as EL islands. Examining the data according to null theory also challenges the role of the head in determining the phrase structure configuration of its complements in code-switching. As it became clear from the data collected, both the high frequency of words and their conceptual significance in the bilingual mind can be taken as determining factors in selecting one of the two different grammatical structures of the languages involved in code-switched phrases and dependent clauses.

Keywords: *code-switching, matrix language frame model, null theory, matrix language, embedded language*